

کت مرگبست از که موصول و ضمیر مخاطب که فعل اشفت با آن بصورت مخاطب درجی آمده.  
 با بجای باد که فعل دعائی است آمده چنانکه شاه داعی گوید: از هر شیئی که بو و طریقی  
 که نم ددن یاری جزای خیرش از تو حواله با.

یعنی چون از این سخن که شفقت ترا خیر و منفعتی باشد بگو رحمت باد بسعد که این سخن  
 تذکار در چند نسخه دو بیت دیگر هم بدینال این مثنوی نوشته اند: مرا کاین حسن کا  
 دختر فکر چرا (رایجا) دل بندم اندر دختر بگر از آن فرزند خویش آمد پسندم که در  
 فرزند کس دل در بندم. ولی چون مضمون موهون است و هیچ ربطی با موضوع ندارد  
 و شیخ مطلب را بطلب رحمت خاتم داده و در هر نسخه هاهم نیامده نمیتوان آنرا از  
 شیخ دانست. ولحمد لله علی الامام. دیماه ۱۳۴۳ ه. ش. محمد جعفر واحد  
 خاتمه

دو سه سال پیش از این شرحی بر ابیات مثنوی مثلثات شیخ اجل افصح المتکلمین  
 سعدی شیرازی که از معضلات ادبی است نوشته و صورت صحیح کلمات مغلو  
 و نامفهوم را از میان نسخه های چاپی و خطی بمیزان استقامت وزن و معیار صحت  
 مضامین دست چین کرده بودم و آرزو داشتم نسخه تمام میاری پیدا شود که بتوان  
 در موارد اختلاف و غلطهای آشکار نسخه های موجود آن را حاکم عادل و فاضل  
 میان حق و باطل قرارداد. از این رو وقتی مقاله دانشمند متتبع آقای ایرج افشار  
 در شماره پنجم سال بیستم مجله ماهانه ادبی یغما مبنی بر معرفی نسخه مضمون  
 مشکولی از مثلثات خواندم با خود گفتم آنچه را میخواستم دریافتم و بید رنگ از اسفا  
 بزرگوار جناب آقای یغما خواستار شدم در صورت امکان رو نوشتی از آن

برای ارادتمند ارسال فرمایند معظم له نیز با قضای کرامت طبع و اهتمامی که در نشر ادبیات و مساعدت دوستان ادب دارند یک نسخه عکسی ارسال داشتند ولی در نگاه نخستین دریافتیم این هم نسخه مغلوط مغشوشی است مانند نسخه های دیگر که نویسنده آن ندانسته و نسخیده برابر اصلی نادرست صورتی برداشته و کلمات غلطهایی که نوشته از عربیت و فهم زبان محلی آگاهی نداشته . اکنون برای رفع استبعاد این دعوی همواری از اعلاط استشهاد میشود .

۱ نوشتن آنجا بالف در بیت اول غلط و برخلاف رسم الخط عربی است زیرا الف آخر کلمه از مرتبه چهارم بالا باید بصورت یا نوشت .

۲ در بیت هفتم استقصاص غلط فاحشی است زیرا خواستن قصه مناسبی با مضمون بیت ندارد و موافق نسخه های خطی و چاپی استقصاص بوده که نویسنده بی توجه بمعنی و مفهوم استقصاص نوشته .

۳ در همین بیت گذشته از آوردن طال و لم تفرغ که با معنی و مفهوم بیت ساز ندارند کلمه احترام و سهام را که فاعلند و مرفوع ندانسته با علامت نصب شکل کرده .  
 ۴ در بیت یازدهم که بنمودست و دیگر در ربودست ، نوشته و توجه نداشته که ربودن بجزیری که نموده شده تعلق نمیگیرد و بیان منافا میان آنها درست نیست بلکه منافا میان بخشودن و ربودن صدق میکند چنانکه در نسخه های دیگر نوشته اند .

۵ در بیت شانزدهم لا یملک بضم یا و فتح میم و لام مشدد نوشته و ظاهر آنرا فعل مضارع مجهول الفاعل از ماده تملیک تصور کرده ، آنکه هر کس توجه بمفاد و معنای این بیت و دو بیت بعد از آن داشته باشد میداند که این کلمه لا یملک بفتح یا و میم و لام

فعل مستقبل معلوم از ماده ملال متصل بضمیر مخاطب است .

۳ در بیت هجدهم لفظ هم نوشته است ولی در زبان محلی شیراز بجای هم ز را آورده اند مگر در ضرورت قافیه چنانکه شاه داعی گوید: نظر لطف تو هر که که آوت اعاشق ز یهدن زنگ  
که از عام هم هم ملحوظ . یا در صورت تاکید بجای نیز چنانکه داعی گوید: حدیث تر چمن  
جان و جان جان ز نه هم گبی دل خه و از جان جان جان و ابرس . در نسخه های <sup>خطی</sup> چاپ  
هم جز نسخه چاپ بروخیم یا ز یا تجریف زو ثبت کرده اند .

۴ در بیت بیستم که بفارسی دری است لفظ محل و محل را بکسر حالتشکل کرده و در لغت  
عرب هر دو بفتح حاگفته میشوند .

۵ در بیت بیست و یکم نیت نوشته با اینکه با هجاء محلی بجای نیت مگر برای ضرورت  
نی میگویند در نسخه ها هم جز نسخه چاپ بروخیم نی نوشته اند .

۶ در بیت بیست و دوم تلفقت بجای تلفقت نوشته است و توجه نداشته که تلفقت

با تقدم فابرقاف بمعنى چیزی را چیزی پیوستن است و در ترکیب جمله فعلیه ازان باید  
گفت تلفقت هذا لهذا بصورت تلفقت هذا وهذا چون معنی جمعیت میدهد  
باقید بعد ساقا دارد ولی تلفقت با تقدم قاف معنی چیزی را زود از زود خوردن  
و فرو بردن میدهد و ترکیب جمله ازان بسیار سیاقی است که در بیت آمده .

۷ در همین بیت لفظ شوی را با باء نقطه دار نوشته و موافق قواعد املا، یا بی را که با  
الف مقصوره است بی نقطه مینویسند .

توضیح لفظ شوی اصلاً آمد و دست و برای ضرورت وزن شعر مقصور آمده و این کار  
جائز است چنانکه ابن مالک میگوید: وقصرنی المد اضطراراً مجمع علیه والعكس مخالف

لا باز در همین بیت بجای جوعان که وصف مفردی است مانند عطشان جمعیان نوشته  
و گویا آن را جمع جاثع تصور کرده مانند ضیف و ضیفان باز آنکه نه جمعیان در جمع  
جاثع آمده و نه این صورت در هیچ نسخه صحیح و سقیم دیده میشود.

لا در بیت بیست و پنجم بجای خطاب که مورد اتفاق همه نسخه ها و صحت مسلم است  
خطاب بضم خا و بجه نوشته که بهیچ وجه مناسبی با مضمون بیت ندارد.

لا در همین بیت زیر کلمه عققل نوشته «کتاب متداخل الرمل» یعنی تل بر از رمل و صا  
قاموس در ترجمه عققل گوید: والعققل الوادی العظم المتسع والکثیر المتراکم و قان

الضیب کالعقل والقدح والسیف. بنا بر این لفظ عققل مشترک در چند معنی است  
و چون در ترجمه الفاظ مشترک باید معنای مناسب با عبارات انتخاب کرد در این بیت  
بنا سبب لفظ وادی که دره و گذرگاه سیل است باید دانست که عققل معنی اول  
آمده ولی نویسنده بی توجهی بنا سبب و قرآن انرا معنی دوم ترجمه کرده.

لا در بیت بیست و هفتم بجای خفتست برخلاف همه نسخه ها خوفست نوشته که جز  
غلط نویسی و جهمی ندارد. توضیح این بیت در نسخه دو بار نوشته و مکرر آن بشمار دنی  
۵۹ در بیت ۲۹ نوشته است «منه گر عقل داری بر تن و هوش» و پیدا است که باید  
در تن نوشته شود.

لا در بیت ۳۰ بجای رسته با فتح اول رسته بکسر و کلمه بسته با فتح اول بسته با نون  
مفتوح ثبت و تشکیل کرده.

لا در بیت سی و یکم معنی را با علامت نون مشدد نوشته و ندانسته است که اینجا  
معنی بصیغه اسم مفعول یعنی گرفتار و رنج کشیده مناسب دارد نه معنی بصیغه

بنا بر این لفظ عققل مشترک در چند معنی است و چون در ترجمه الفاظ مشترک باید معنای مناسب با عبارات انتخاب کرد در این بیت بنا سبب لفظ وادی که دره و گذرگاه سیل است باید دانست که عققل معنی اول آمده ولی نویسنده بی توجهی بنا سبب و قرآن انرا معنی دوم ترجمه کرده.

۱۴ در بیت می و هشتم مخلوق العوارض نوشته و اندیشه معنی از آن کرده. گر چه هیچ  
 نسخه این جمله نوشته نشده ولی بمناسبت معنی بیت و در بیت بعد از آن میتوان  
 دانست که مخلوق العوارض بوده (در نسخه کتابخانه ملی ملک مخلوق العوارض آمده)  
 ۱۵ در بیت چهل و هشتم بجای غافل از دوست. عاقل از دوست نوشته و مفهوم  
 آن عاقل نبودن مخاطب و جهل و سفاهت یا جنون اوست. با اینکه مقتضای ادب کلام  
 نیست که ناصح بمخاطب نسبت جهل و سفاهت بدهد و او را از خود بر بخاند.

۱۶ در بیت پنجاهم بسط الملاعب نوشته بفتح میم. ولی تاب نیاوردن گشادی باز نگاهما  
 معنی رو براهی نیست و با اینکه هر نسخه از همین صورت ثبت کرده اند میتوان بمنام مقام و قرار  
 دانست که در اصل بطش الملاعب بوده باضم میم یعنی جنگاوری و چالاکگی همبازی  
 و در اثر جهالت نویسنده گامین صورت در آمده.

۱۷ در بیت پنجاه و چهارم فسعدی با بجای و سعدی با نوشته با اینکه در آثاری که از  
 شیرازی داریم و در همین مثنوی مثلثات هیچ جا حرف اضافه (ب) تبدیل نمانده  
 و همین عدم نظیر دلیل قاطع بر خطای نویسنده است.

۱۸ علاوه بر اغلاط و خطاهائی که شمرده ایم در ابیات محلی غلطهای بسیار نوشته شده  
 که باند داشتن معنی یا معنی مناسب در مواردی بیت را از وزن بحر این مثنوی  
 (مخرج مستدرس مقصور) بیرون برده ولی چون همه خوانندگان باین الفا آشنا  
 کامل ندارند از تفصیل آن خودداری میشود.

مقصود از انشاد بر نویسنده نسخه مثلثات علی بنی و توضیح حق او نیست بلکه همین انداز

که درخی کشیده و مجموعه نفیسی از آثار متفرقه ادبی بیادگار گذاشته از او خوشنودیم  
 و آموزش او را از خدای آموزشگار میخوانیم ولی هنگام تشخیص مرتبه و مقام علمی  
 و ادبی اشخاص و داوری درباره آنها گفتم تا پایه اشخاص و آثار  
 آنان چنان که هست شناخته آید و مثلاً نویسنده یک مجموعه اشعار با اندک  
 مایه علی و ادبی معلم و استاد حافظ که خورشید درخشان منظومه ادب  
 و عرفان است معرفی نشود.

بآری فائده طلب و دیدار این نسخه همین بس که دیگر دل از امید یافتن  
 نسخه درست کامل عیاری بپردازم و بنسخه انتخاب کرده خود که مبتنی بر ادراک  
 معانی و فهم مقاصد با توجه بقرائن و شواهد است اعماد بیشتری داشته با آن

واجد - ۲۰ / ۷ / ۱۳۴۶

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 تصحیح لازم

مجله یغما از محضر جناب استاد واجد شرمندیم که چاپ این رساله ارجمند به  
 تفاریق افتاد ، و امید داریم که جداگانه تجدید چاپ شود که در کتاب خانه های معتبر جهان  
 بماند و همواره مورد استفاده اهل ادب واقع گردد

چون در اثر تجدید نظر و دقت بیشتر در شرح ابیات مثلثات بخطاها و اغلاطی برخورد  
 کرده ام که اصلاح آن بر اینجانب واجب و برای خواننده بسیار ارزنده است اصلاحنامه ای ترتیب  
 داده کلیشه آن را حضور عالی ارسال داشتیم که بمصدق الاکرام بالاتمام در پایان شرح  
 درج فرمایند .

ارادتمند . محمد جعفر . واجد .

اصلاحات شرح مثلثات

صواب	خطا	صفحه	سطر	صواب	خطا	صفحه	سطر
بکنه	بکنه	۱۶	۷	آمِه	آمِه	۱۶	۴
خِه	خِه	۱۷	۳	روی	رو	۱۸	۴
۱۷ - بعد از هر ششم نوشته شود، ولی در این بیت مثلثات چون حرف خا قبل از خرت کسره گرفته میشود.				بِسْمِ	بِسْمِ	۱۷	۵
میشنه	میشنه	۱۷	۱۸	بیدشت	بیدشت	۲	۶
بَد	بَد	۱۸	۲	باضم با اول	بکراه اول	۲	۶
یابیشتر	یابیشتر	۱۸	۱۶	و کسره اول	و کسره اول	۲	۶
حِذارا	حِذارا	۱۸	۱۷	بیدشت	بیدشت	۳	۶
عِت	عِت	۱۹	۶	ناید کسره	ناید کسره	۵	۷
بُسَلت	بُسَلت	۱۹	۱۲	باضم با کسره	با کسره	۶	۷
بیدشت	بیدشت	۱۹	۱۳	برخوان	برخوا	۱	۱۱
بگی	بگی	۲۱	۱۵	ببفته	ببفته	۱۷	۱۱
				بگی	بگی	۴	۱۲
				بکشی	بگشا	۱۹	۱۲
				اُبنه	اُنیه	۴	۱۳
				اُورد	اُورد	۱	۱۴
				باضم بزه	باضم بزه	۹	۱۵
				بکنه	بکنه	۴	۱۶
				بجَت	بجَت	۴	۱۶